

تغییر سیاست پ.ک.ک و پژاک موفقیت یا شکست (۲)

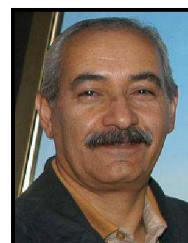


محمد آسنگران

در قسمت اول این نوشته به اختصار روند تحولات و مقاطع معینی از تاریخ فعالیت و مناسبات پ.ک.ک با دولتهای منطقه را مرور کردیم. در این قسمت سعی میکنم به تغییرات سیاست آنها در ایران و سوریه بپردازم و مبانی ایدئولوژیک پ.ک.ک را کوتاه بررسی کنم. پ.ک.ک از طریق کمیته ایرانی خود به نام پژاک تلاش کرد که با جنگ مسلحانه و "فاطعیت" در مقابل جمهوری اسلامی، امکان فروش این کالای تازه وارد بازار شده اش به آمریکا را به امری در خور توجه تبدیل کند.

صفحه ۳

بخشش، حجاب برگیران و محیط زیست



عبدال گلپریان

هموعانشان و انتظارات کل جامعه برای نشان دادن و بیان توقعات مدرن و انسانی شان، امید و آرمان میلیونها مردم برای ساختن و تحقق دنیایی شایسته انسان امروز است. در حالیکه حاکمیت سیاه اسلامی همچنان سایه شوم خود را بر مردم گسترانیده است اما امید و تلاش برای آینده ای بهتر در لایه‌های زندگی مردم، همچون خون در رگها جریان دارد. امید مردم برای ساختن و تلاش حکومت اسلامی برای ویران کردن، جنگ و جدالی هر روزه است که ۳۵ سال است ادامه دارد. در این

آنچه که در کردستان و دیگر شهرهای کشور دارد رواج پیدا می کند، نوعی از اداره امور جامعه توسط خود مردم است. احساس مسئولیت مردم در قبال خود و

صفحه ۲

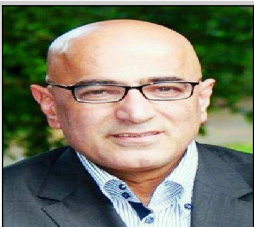
اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

صفحه ۴

نگاه هفته مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان



نسان نودینیان صفحه ۷

تجمع و راه پیمایی اعتراضی کارگران فولاد زاگرس کردستان در سنندج



صفحه ۵



درخواست عضو مردم روانسر، جنبش بخشش را یک گام به پیش بردند!
برگزاری مراسم و گلگشت اعتراضی کارگران در سنندج
جلیل محمدی آزاد شد
پیام همدردی با کارگران معدن سوما و سندیگهای کارگران معدن و انرژی، آب و گاز ترکیه
مرگ ناهنگام رسول مردم تقد و شهرهای اطراف را داغدار کرد
به یاد کارگران جانباخته معدن سوما/ ناهید و فایی
ما خواهان آزادی فوری ریحانه جباری هستیم!

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۵

صفحه ۶

صفحه ۶

صفحه ۶

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بخش ...

کردستان به فرهنگی عمومی تبدیل شده و طی این مدت در اکثر شهرها و مناطق کردستان فعالیت های مختلف زیست محیطی نظیر پاکسازی مکانهای تفریحی و مکان های عمومی، مکان های تاریخی، سدها و رودخانه ها و همچنین آزاد کردن پرندگان برگزار شده است. این اقدامات تنها به کردستان خلاصه نشده است بلکه در بسیاری از شهرهای کشور این حرکتها از سوی مردم در جریان است.

صاحبان اصلی جامعه یعنی مردم، با اتکا به فرهنگ مدرن و پیشرو، در نهایت احساس مسئولیت انسانی و اجتماعی خود در مقابل تساهی و ویران سازی جامعه و تمامی فجایعی که از ابتدا تا به امروز از سوی حاکمیت اسلامی صورت گرفته است واکنش نشان داده و اقدام به ساختن زندگی و دادن امید به تمامی لایه های مختلف جامعه می کنند. بحق که این مردم و نمایندگان آنان هستند که لیاقت اداره امور جامعه را دارند. حکومت اسلامی، زندگی، انسانیت و جامعه را بدار می کشد مردم اما زندگی می بخشند، جامعه را می سازند و انسانیت را نمایندگی می کنند. اقدامات متمدانه و حرکت های شورانگیز مردم که هر روز شاهد نمونه های برجسته ای نظیر، حرکت بخشش خانواده های مقتولین، حرکت حجاب برگیران، سالم سازی محیط زیست و دهها حرکت انسانی و اجتماعی دیگر آن هستیم، نوید بخش يك زندگی انسانی، مدرن و متمدانه برای فردای سرنگونی حکومت اسلامی است.

۲۰ مه ۲۰۱۴

از سوی دیگر سیستم و دم و دستگاهی که بخاطر سود و سرمایه سراسر کشور و حتی مناطق خارج از شهرها را نیز برای زندگی کردن غیرقابل سکونت کرده است، تنها به آلودگی هوا بعنوان يك بعد از محیط زیست خلاصه نمیشود بلکه حکومت اسلامی بخاطر بقای خود و برای تداوم جنایت علیه مردم از طریق برنامه های نظامی و هسته ای و با بکارگیری دستگاههای پارازیت، خشک شدن رودخانه و دریاچه ها، از بین بردن مراتع و جنگلها و دیگر اقدامات مخرب دیگر، کل جامعه را در مقابل خطرات جبران ناپذیر زیست محیطی قرار داده است.

در مقابل این فجایع زیست محیطی باز هم تنها مردم هستند که در نهایت احساس مسئولیت انسانی و اجتماعی شان به مقابله با این وضعیت برخاسته و به میدان می آیند. اخیرا تعدادی از فعالان محیط زیست در شهر ایلام در حرکتی نمادین و ابتکاری، محیط زیست اطراف این شهر را از وجود زباله پاکسازی نمودند. در این فعالیت زیست محیطی، چندین تن زباله در داخل آبراهها و محیط زیست از سوی دوستداران و مدافعان زیست محیط جمع آوری شد. از سوی دیگر، علاوه بر این شماری از فعالان محیط زیست در شهر بوکان نیز در حرکتی مشابه اطراف این شهر را از وجود زباله گردشگران پاکسازی کردند.

طی دو سال گذشته مسئله حفظ محیط زیست و برگزاری فعالیت های مرتبط با این مسئله در شهرهای



حجاب تحمیل کنند اما از همان روزهای ظهور این نگیت اسلامی، زنان به حجاب اسلامی نه گفتند. مبارزات و فعالیت های بی وقفه زنان در بیش از سه دهه، جمهوری اسلامی را تا همینجا به زانو درآورده است. حرکت حجاب برگیران در میان زنان، اکنون دارد به سنتی جا افتاده و اقدامی همه گیر در جامعه تبدیل می شود. حاکمیت اسلامی کوشیده است جهمی به تمام معنا را برای مردم و بویژه زنان برپا کند اما زنان در مقابل این همه تحقیر و توهین به نیمی از انسان در آن مملکت، مبارزات، اعتراضات و مقاومت های پرشوری از خود نشان داده اند. این تلاشها اکنون وارد فاز دیگری شده است. زنان با برگرفتن حجابها از سر و پا به باد دادن موهایشان، می روند که کل دم و دستگاه زن ستیز اسلامی را بر باد دهند. این حرکت های پرشور و زیبا یعنی سیمای دیگری از رنسانس عصر حاضر، یعنی نواختن شیپور پایان بختک اسلامی.

نشان می دهد. در میان خانواده های مقتولین و مردم حرکتی براه افتاده است که به قانون قصاص یا همان قتل عمد دولتی نه می گویند. حرکت اخیر مردم روانسر برای نجات جان يك محکوم به اعدام و تقاضا از خانواده مقتول برای گذشت و همچنین حرکت بسیاری از خانواده های مقتولین در مقابل قانون ضد انسانی قصاص حکومت اسلامی، یعنی نپذیرفتن بساط این دم و دستگاه سراپا جنایت، یعنی خلع قصاص کردن حاکمان اسلامی، یعنی برچیدن بساط قتل عمد دولتی. این حرکت در کل جامعه علیه قتل عمد دولتی دارد گسترده تر می شود. حاکمان اسلامی هم با دیدن این صحنه ها به هراس و وحشت افتاده و دارند روزهای پایان عمرشان را از نزدیک نظاره می کنند.

بیش از ۳۵ سال است که با زور اسلحه، اسید، چاقو شلاق، زندان و شکنجه می کوشند بر سر زنان

کشاکش این مردم هستند که در قبال مسایل عدیده اجتماعی بعنوان صاحب جامعه حضور دارند، در قبال زندگی خود و آینده جامعه احساس مسئولیت می کنند و تلاش می کنند پدیده های وارونه در نظام گنبدیده اسلامی و سرمایه داری را سر جای واقعی خود قرار دهند.

حکومتی که بالای سر این مردم مدرن، مترقی و شرافتمند خود را حاکم کرده، بقدمت طول عمرش و بعنوان بخش جدایی ناپذیر از هویت مخربش، تساهی و ویرانی آفریده است. نمونه های زیادی می توان برشمرد اما در میان این تلاشها سه مورد برجسته در ماهها و هفته های اخیر شاخص ترینها بودند. بخشش، حجاب برگیران و سالم سازی محیط زیست.

حکومت اسلامی برای بقای خود بطور عمد و آگاهانه آدم می کشد و قتل های سازمان یافته دولتی را به اجرا می گذارد. جامعه اما در مقابلش می ایستد و عکس العمل



FITNAH
فیتنه

مینا احدی ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
کیوان جاوید ۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
مریم نمازی ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

آدرس پستی
Marvay Namazie
BMT BOX 1616, London WC1N1XX, UK
Email: fitnah_movement@gmail.com
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
Website: www.fitnah.org
Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

از صفحه ۱ تغییر سیاست پ.ک.ک ...

اما قبل از اینکه آمریکا توجه اش به این کالا جلب بشود، خودش در عراق با شکست مواجه شد و رئیس جمهور شدن باراک اوباما نتیجه آن شکست بود نه عامل آن. با شکست آمریکا در عراق عملاً بحث سرنگونی و رژیم پنج در ایران کنار گذاشته شد و "رژیم پنج" در آمریکا با شعار "من میتوانم تغییر بدهم" با رفتن بوش و آمدن اوباما اتفاق افتاد. اوباما هم به جای سیاست تغییر رژیم در ایران دست دوستی به سمت خامنه ای دراز کرد.

در دل این تحولات جریانات اسلام سیاسی در عراق، ایران، لبنان، افغانستان و... بعد از شکستهای پی در پی، مقطعی دوباره اوج گرفتند. هر چند دوران شکوفایی آنها تمام شده بود، اما در مقابل رقیبی مثل آمریکا اعتماد به نفس مقطعی پیدا کردند. اتفاقات سوریه که قرار بود شکست آمریکا در منطقه را جبران کند با دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی، این جریانات را دوباره در اذهان عمومی برجسته کرد.

در دل همین اتفاقات بود که پ.ک.ک و پژاک مورد تعرض سخت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفتند و در هماهنگی با ترکیه قرار بود کوههای قندیل را از وجود پ.ک.ک پاک کنند. اما با ادامه روند تضعیف اسد در سوریه احتمال سرنگونی او بیشتر میشد. جمهوری اسلامی بین یک متحد استراتژیک مانند اسد و متحد تاکتیکی و رقیب منطقه ای مانند اردوغان باید انتخاب میکرد. طبیعی بود که تقویت اسد برای جمهوری اسلامی از نقش استراتژیکی برخوردار بود و به همین دلیل یک راه این تقویت تضعیف اردوغان و یا مانع تراشی برای ترکیه بود که به خود مشغول شود. سیاست آتش بس جمهوری اسلامی و پ.ک.ک در مرزهای ایران و عراق نتیجه این محاسبات بود نه میانجیگری این و آن.

با آغاز این روند، سوریه هم به این فکر افتاد که بخش کردستان سوریه را در یک توافق غیر رسمی

تحویل پ.ک.ک و یا پ.ی.د بدهد.

پ.ی.د. در کردستان سوریه همان نقش پژاک در کردستان ایران را برای پ.ک.ک بازی میکرد. ارتش سوریه بدون هیچ درگیری و جنگ و گریزی کردستان سوریه را تحویل پ.ک.ک داد. این میتوانست هم تقویت پ.ک.ک در مقابل ترکیه باشد و هم میتوانست آزاد شدن بخشی از نیروی ارتش سوریه را معنی بدهد. زیرا از این به بعد لازم نبود چندین هزار نیروی ارتش سوریه برای تسلط بر کردستان سوریه آنجا مستقر باشند. حفاظت از کردستان سوریه در مقابل ترکیه و جریانات اسلامی، به پ.ک.ک و بخش سوریه ای آن یعنی پ.ی.د. سپرده شد.

این سیاست جمهوری اسلامی و دولت سوریه روزنه امید برای پ.ک.ک فراهم کرد که در یک معامله با جمهوری اسلامی و دولت سوریه به فکر راه نجاتی برای خود افتاد. زیرا هم جمهوری اسلامی و هم اسد تا پایان بحران سوریه هنوز میتوانند پ.ک.ک را در مقابل ترکیه تقویت کنند. اما پ.ک.ک میدانند که در پایان بحران سوریه، اردوغان و جمهوری اسلامی و اسد و مالکی که اکنون بیشترین کمک به کردستان سوریه از طریق اسد و عراق تامین میشود، این کمکها را خاتمه میدهند و این دولتها به همان دوستان قدیمی ترکیه تبدیل میشوند. همین موضوع که دیر یا زود بالاخره اتفاق خواهد افتاد، آینده و استراتژی پ.ک.ک را با تاریکی مطلق مواجه کرده است.

این اتفاقات جهانی و منطقه ای تاثیر بلاواسطه ای بر سیاست همه احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه گذاشته و خواهد گذاشت. اما روزنه امید پ.ک.ک را کاملاً کور میکند. برخلاف محدودنگری تحلیلگران سطحی که فکر میکردند پ.ک.ک در اوج قدرت است و نباید در مقابل ترکیه کوتاه بیاید و به قول آنها نباید "تسلیم" بشود، من همان موقع نوشتم و گفتم که پ.ک.ک ناچار است از این هم بیشتر کوتاه بیاید چون در تنگنای کشنده ای گیر کرده است که

راه پس و پیش ندارد. پ.ک.ک آینده تاریک خود را میبیند که ناچار شده است بدون هیچ مذاکره رسمی و هیچ قول و قرار رسمی، خواسته های دولت ترکیه را بپذیرد، جنگ مسلحانه را پایان بدهد و منطقه را ترک کند.

اگر پ.ک.ک امروز "گودار" را به جای پژاک علم میکنند، ناشی از تفکرات و کشفیات اخیر اوچلان و یا کشف طرح و سیاست راهگشا و تازه ای نیست. این اتخاذ و قبول شکست سیاسی است که قبلاً پژاک برای آن درست شد و به اهدافش نرسید و خریداری پیدا نکرد. همان بخش پ.ک.ک که قبلاً قرار بود به اسم پژاک به آمریکا فروخته شود، امروز به اسم گودار قرار است، او را به جمهوری اسلامی بفروشد. اما سرنوشت گودار از پژاک بهتر نخواهد شد. این کالا هم خریداری پیدا نخواهد کرد. جمهوری اسلامی اگر همچنان در قدرت باشد احتیاجی به این کالای بی مصرف و بی ویتامین نخواهد داشت.

پ.ک.ک یک حزب بشدت ایدئولوژیک و فرقه ای است!

پ.ک.ک از دسیپلین و نوع سازمان و تشکیلات و امکانات پولی معینی برخوردار است که شبیه آن در ایران سازمان مجاهدین خلق ایران بود. این دو سازمان علیرغم تفاوت مبانی فکری اولیه آنها که مجاهدین یک جریان اسلامی شیعی و پ.ک.ک یک جریان ناسیونالیست آغشته به شائبه های مذهبی بوده، شباهتهای زیادی با هم دارند. برخلاف سازمانهای سیاسی دیگر در این کشورها این دو سازمان بسیار منضبط هستند. بشدت ایدئولوژیک هستند و اعضای آن تا حد پرستش به سازمان و رهبران خود وابسته هستند. نمونه هایی از خود سوزی و خود کشی افراد وابسته به آنها در راه رهبران و برای نجات رهبران این دو سازمان امری مقبول و عادی بوده و بارها اتفاق افتاده است. دست زدن به عملیات انتحاری برای افراد این سازمان بخشی از آموزش و سنت و تفکر مرسوم مذهبی گونه و فرقه ای در هر دو سازمان بوده و هست.

در برخورد به زن این دو سازمان به شدت در اشکال تحقیر آمیزی

برخورد کرده اند. شخصیت و کرامت زن در این دو سازمان تا بی نهایت تحقیر و له شده است. در ظاهر چنین دیده میشود که زنان در این دو سازمان تا سطح فرماندهی و مقامات حزبی و حتی حکومتی در جایی مثل کردستان سوریه ارتقا یافته اند. اما در حقیقت و در دنیای واقعی زنان را تا حد ابزاری در خدمت ایدئولوژی خود و رهبر و ولی فقیه خود که اتفاقاً هر دو مرد هستند تنزل داده اند. زن در سیستم فکری این دو سازمان به شرط اینکه عواطف انسانی و نیاز جنسی خود را سرکوب کند و به خدمت تفکر رهبر درآید میتواند تاحد بالاترین مقام حزبی اما قطعاً پایین تر از ولی فقیه "مرد اول و تصمیم گیرنده اصلی"، ارتقا پیدا کند. ولی فقیه اگر در حکومت اسلامی ایران خمینی و خامنه ای بوده است در سازمان مجاهدین مسعود رجوی و در پ.ک.ک اوچلان این نقش را ایفا میکنند. اسمشان ولی فقیه نیست اما نقش و جایگاهی که برای آنها در نظر گرفته شده است همان است.

ازدواج در این دو سازمان نه امری عادی بلکه ممنوع است و کسی که به فکر رفع نیازهای جنسی و عاطفی خود باشد طرد میشود و عقوباتی او را شامل میشود. چنانچه اکنون در صف نیروهای حرفه ای این دو سازمان هیچ زن و مردی رسماً با هم اجازه ازدواج و یا رابطه دوستی و عاطفی ندارند.

این پروسه در سازمان مجاهدین خلق رسماً با انقلاب ایدئولوژیک آغاز شد و بجز مسعود رجوی و مریم رجوی هیچ کس دیگری مجاز به ازدواج نبوده و نیست. در میان پ.ک.ک اما این موضوع قدم به قدم و در یک پروسه زمانی اتفاق افتاد. با این استدلال که فعلاً آزادی ولات و ملت " (آزادی کشور و ملت) در اولویت است و آزادی ملت برتر از استفاده از آزادیهای فردی و مشغول شدن و فکر کردن به عواطف فردی است و... توجیه شد. تنها تفاوت این دو سازمان این است که در سازمان مجاهدین ولی فقیه مجاز است هر زنی را اختیار کند و آن زن حتی اگر قبلاً با کسی هم ازدواج کرده باید طلاق بگیرد و با ولی فقیه زندگی کند. اما در پ.ک.ک خود

ولی فقیه هم از این حق محروم است یا برای توجیه سازمانش ظاهراً خودش را هم محروم کرده است.

این فرهنگ و تفکر سکتی و فرقه ای با دنیای مدرن امروز خوانایی ندارد. تناقضات این نوع تفکر، هر چند با لفافه ملت و مذهب و... پیچیده شود نه عاقبتی دارد و نه هیچ جامعه ای تا این حد خود آزار و مریض یافت میشود که اینها را معیار زندگی خود کند. سکنهای مذهبی و ملی و فرقه ای این چنینی در تاریخ بشر کم نبوده اند و شکست و پایان تاریخ آنها هم بجز افراد این سکنها کسی را متعجب نکرده است. این نوع سازمانها خود حاصل و عکس العمل بخش عاصی جامعه به سیستمهای دیکتاتوری حاکم است. اما بی آیندگی این نوع اپوزیسیون از سیستمهای دیکتاتوری حاکم محرز تر است.

هنگامیکه خود آزاری و سرکوب عاطفه های انسانی در این سیستم فکری به امری عادی و همگانی برای افراد این سازمانها تبدیل میشود، دیگر آزاری صد بار مقبولتر و عادی تر برای آنها به نظر میرسد. ادعاهای این نوع احزاب را حتی آنجا که حرف و سیاست درستی هم بزنند نمیتوان با اعتماد بدان نگریست. زیرا کسی که سرکوب عاطفه انسانی خودش را باریش ارزش شده است و هیچ پرنسیب انسانی دیگری را بجز گفته های رهبر و ولی فقیه خود بر نمیتابد و حقیقی نمیداند، نمیتوان با اعتماد به آنها نگریست. زیرا منطق عقلی آنها در زیر سایه ایدئولوژیک آنان مدفون شده است.

اینجا من فراتر از اختلاف نظر و اختلاف طبقات در مورد این پدیده دارم حرف میزنم. بحث در مورد این دو سازمان به نظرم در مقولات بورژوازی و پرولتاریا نیگنجد. اگر چه سیاست آنها در همان چهارچوب سیاستهای بورژوازی قابل توضیح است. اما خود این سازمانها و این سیاستها در دنیای امروز نه نماینده و بیان سیاست و منافع بورژوازی و نه بیان سیاست و منافع کارگر. اینها بیش از اینکه در چهار چوب مقولات طبقاتی جامعه قابل توضیح باشند در مقولات سکت و

از صفحه ۳ تغییر سیاست پ.ک.ک ...

فرقه می‌کنند. اینها آینده ای نخواهند داشت. نه به خاطر اینکه من دوستشان ندارم بلکه به این دلیل ساده جامعه میتواند راست، چپ، اسلامی، ناسیونالیستی، بورژوازی و کارگری و... خودش را داشته باشد، اما دست به خود کشی نمیزند و خود

آزار نیست. این سازمانها ضمن خود آزاری قدم به قدم در حال خودکشی هم هستند.

جامعه مکانیسم حرکت و تغییر و تحول خود را بر اساس سیاست طبقات پایدار و اجتماعی میسازد.

جامعه هر چند با مصیبت و ویرانی نیروهای مخرب هم مواجه بشود نمیتواند خود آزار باشد و دست به خود کشی بزند. به تاریخ گذشته و دوران سپری شده هم برنمیگردد.

جامعه ناچار است برای ادامه حیات خود رو به جلو برود. این نوع سازمانهای مورد بحث با حرکت جامعه همخوان نیستند و به همین

مجاهدین" در اوج برو بیای مجاهدین نوشته شد، اینطور فکر میکردند و باورشان نمیشد. اما منطق و مکانیسم حرکت و نیاز جامعه از من و آنها نمیپرسد و منتظر هیچ کس هم نمیماند. دیالکتیک حرکت جامعه این حقیقت را محرز میکند.

ادامه دارد

اخبار هفتگی ...

نیروهای حزب دمکرات
کردستان عراق با زور اصلحه
چندین دفتر و مقر روزنامه
نگاران و سازمانهای غیر
انتقاعی را تعطیل کردند!

آزادیخواه کردستان حمله کرده و دفاتر آنها را تعطیل کرده اند و تعدادی را هم بازداشت کرده اند. لازم به ذکر است که همه این دفاتر وابسته به حزب راه چاره دمکرات می باشد که در انتخابات اخیر در فراخوانی از اعضا و هوادارن خود خواسته بود که به حزب دمکرات کردستان عراق رای ندهند، و اکنون بعد از اعلام نتایج انتخابات و کم شدن نمایندگان حزب دمکرات، آنها در اقدامی هماهنگ دست به چنین حمله ای زده اند. نیروهای حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی

بر اساس خبرهای منتشر شده، روز دوشنبه نوزدهم ماه می، نیروهای امنیت حزب دمکرات مسعود بارزانی همزمان در شهرهای اربیل، دهوک و زاخو به دفاتر و مقر نیروهای، جمع اتحاد جوانان، مرکز خبر دجله، دفتر روزنامه روزی ولات در شهرهای اربیل، دهوک و زاخو، کنگره ملی باشور و تشکل زنان

در طول حیات ۲۳ ساله حاکمیت خود بارها و بارها به دفاتر و مقر سازمانهای مخالف خود حمله کرده و دهها نفر را ترور و زندانی کرده اند.

اعلام تعداد نمایندگان
احزاب ناسیونالیست کرد در
پارلمان عراق

طبق آخرین خبرها بعد از انتخابات ماه گذشته برای شهرداریها و پارلمان عراق، حزب دمکرات کردستان عراق ۲۵ نماینده، اتحادیه میهنی ۲۱ نماینده و از جنبش تغییر به رهبری نوشیروان مسطفی هم ۹ نماینده برای پارلمان عراق انتخاب شده اند.

لازم به یاد آورست که اختلاف بر سر تعداد نمایندگان و تقلب در انتخابات جزئی از پروسه انتخابات در کردستان عراق بوده است که به باور بسیاری از صاحب نظران با هیچ معیاری نمی توان آنرا انتخاباتی آزاد نام گذاشت.

در شهر سید صادق چهار نفر
از نیروهای امنیتی به اتهام نیر
اندازی و کشتن یکی از
معترضین اعتراضات اوائل
امسال دستگیر شدند!

اوائل امسال هزاران نفر از مردم شهر سید صادق در اعتراض به نبود امکانات شهری و علیه مسئولین

این شهر دست به اعتراض می زنند که با یورش وحشیانه نیروهای سرکویگر اتحادیه میهنی روبرو می شوند، این اعتراض به حق مردم مثل همیشه با گلوله پاسخ می گیرد و در نتیجه این تعرض نیروهای امنیت اتحادیه میهنی، بیش از صد نفر زخمی می شوند و جوانی ۲۲ ساله به اسم بریار حسن جانرش را از دست می دهد. روز دو شنبه نوزدهم ماه می، بعد از گذشت چند ماه از اعتراضات مردم، بالاخره دادگاهی در شهر سید صادق حکم بازداشت چهار نفر از نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی را صادر کرد.

یک گام به پیش!

حضور بر مزار امید مرادی، راهپیمایی بسوی خانواده مقتول،
گفتگو و درخواست عفو مردم روانسر، جنبش بخشش را یک گام به پیش بردند!

نزدیک به شش سال پیش در یک نزاع بین دو جوان امید مرادی از ناحیه قفسه سینه توسط یکی از دوستانش به نام "ع.م." زخمی میشود و بعد از انتقال به بیمارستان وی جان خود را از دست می دهد. در حال حاضر متهم به قتل در زندان دیزل آباد شهر کرمانشاه زندانی است و از سوی دادگاه این استان به جرم قتل به اعدام محکوم شده است.

روز پنج شنبه ۲۵ اردیبهشت جمع کثیری از مردم با حضور بازاریان، هنرمندان، جوانان، فعالین مدنی و فرهنگی و ... در شهر روانسر دسته جمعی بسوی قبرستانی رفتند که "امید مرادی" در آنجا دفن شده است. پس از ادای احترام در محل، بسوی منزل والدین امید مرادی حرکت کردند. راهپیمایی گسترده و باشکوهی بود.

راهپیمایی برای نجات جان یک محکوم به اعدام و خواهان اعلام عفو و بخشش از سوی خانواده مقتول بودند. سپس یک تیم ۱۰ نفره از سوی این جمعیت بزرگ و به

نمایندگی از سوی آنان وارد منزل خانواده امید مرادی شدند.

خانواده مقتول به نمایندگان گفتند برای تصمیم گیری در این مورد احتیاج به زمان دارند این تجمع پس از بازگشت نمایندگان مردم و با بدرقه خانواده مقتول به پایان رسید..

کمیته بین المللی علیه اعدام به مردم آزاده روانسر درود میفرستد، و از مردم در همه جای ایران دعوت میکند به چنین اقدامات و ابتکاراتی دست بزنند. ما باید کمک کنیم جان همه محکومین به اعدام نجات یابد. جنبش علیه اعدام در ایران را باید بیش از پیش گسترده نمود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ مه ۲۰۱۴ برابر با ۲۶
اردیبهشت ۲۰۱۴

برگزاری مراسم و گلگشت اعتراضی کارگران در سنج



کار جهانی و جنایتی ناشی از حرص و آژسود خواهی سرمایه داری است، گرامی داشته شد. مناسبات و شرایطی که همیشه در اقصی نقاط جهان از خانواده های کارگران قربانی میگردد.

بعضی از شعارهای داده شده در این تجمع که تا ۲ بعدازظهر ادامه داشت به شرح بود:

زندگی انسانی حق مسلم ماست

کارگران زندانی جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران آزاد باید گردند

گلگشت اعتراضی، باتوجه به تحمیل شرایط برده وار معیشتی و تعیین حداقل دستمزد شرم آور توسط دولت، عنوان کردند که هر روزه شاهد فشارهای بیشتری بر کارگران و فعالین کارگری در ایران هستیم. لذا ادامه فشار و آزار و اذیت بر کارگران و فعالین کارگری را محکوم نموده و خواستار پایان دادن به این فشارها و پیگردها و بازداشت های غیرقانونی و رهایی بی قید و شرط همه کارگران زندانی شدند.

در ادامه این مراسم یاد و خاطره کارگران جان باخته ی معدن سومای ترکیه که فاجعه ای تلخ برای طبقه

از ساعت ۹ صبح امروز جمعه ۹۳/۲/۲۶ بیش از ۷۰ نفر کارگران از جمله اعضای اتحادیه آزاد کارگران و کمیته همبستگی و سایر فعالین کارگری مراسمی را در محکومیت موج گسترده فشارها و پیگردهای غیرقانونی بر کارگران برگزار کردند.

آنان دستگیری و بازداشت آقایان جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی را بشدت محکوم کرده و خواستار آزادی فوری آنها که مطالبات حق طلبانه کارگران را نمایندگی میکردند، شدند.

کارگران شرکت کننده در این

تشکل مستقل حق مسلم کارگران است
دستمزد زیر خط فقر را نمیپذیریم
تهدید، احضار، دستگیری کارگران و فعالین کارگری محکوم است

بهنام ابراهیم زاده / رضاشهبایی / شاهرخ زمانی / واحدسیده / یوسف اب خرابیات / محمد مولایی آزاد باید گردند

اتحادیه آزاد کارگران ایران

تجمع و راه پیمایی اعتراضی کارگران فولاد زاگرس کردستان در سنج

جمیل محمدی آزاد شد



استاندارای موافقت کردند. در طی ۲ ساعت مذاکره با استاندار، وی به کارگران قول داد که تا پنجشنبه ۹۳/۳/۱ عجاتن و علی الحساب حقوق معوقه کارگران پرداخت شود.

در پایان کارگران متعرض به استاندار اعلام کردند که در صورت محقق نشدن این قولها و وصول مطالبات تا موعد مقرر، حتمن این تجمع و حرکت اعتراضی را به مقابل ساختمان مجلس در پایتخت (تهران) خواهند کشاند. این تجمع در ساعت ۴/۵ عصر به پایان رسید.

کمیته همبستگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳

معادن و بازرگانی در میدان مادر سنج راه پیمایی کردند. در پی عدم پاسخگویی مسئولین اداره صنایع، کارگران با ادامه ی حرکت اعتراضی خود به سمت استانداری شهر حرکت کردند. در طی مسیر آنان با گذشتن از خیابانهای اصلی و مرکزی سنج (خیابان فردوسی و خیابان شاهپور و خیابان استانداری) در مقابل استانداری تجمع کردند.

با وجود همراهی خودروهای نیروهای انتظامی و نیروهای امنیتی و حتی لباس شخصی، آنان متحد و منسجم بر خواسته های خود پای فشاری کردند که سرانجام با پیشنهاد مسئولین استانداری مبنی بر گفتگو و حضور در سالن اجتماعات

به گزارش رسیده روز دوشنبه مورخه ۹۳/۲/۲۹ تعداد کثیری از کارگران شرکت فولاد زاگرس کردستان (حدود ۱۱۸ نفر) با در دست داشتن پلاکاردی اعتراضی با مضمون "بازگشت به کار و دریافت حقوق های معوقه" اشان، اقدام به اعتراض و راه پیمایی در خیابانهای شهر سنج کردند.

این کارگران برای احقاق مطالبات برحقشان ساعت ۹ صبح همگی در مقابل اداره کار و امور اجتماعی سنج تجمع کردند که بعد از دو ساعت زمانیکه پاسخی از مسئولین اداره کار نگرفتند به سمت اداره صنایع و

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیارد در شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های تو خالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

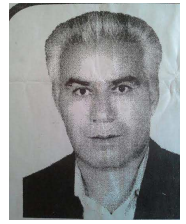
سرتگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

جمیل محمدی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از همبستگی کنندگان طومار اعتراضی ۴۰ هزار نفری کارگران، پس از بیست روز که از دستگیری و بازداشتش در بند انفرادی ۲۰۹ اوین میگذشت، ساعت ۴ بعداز ظهر روز ۳۰ اردیبهشت ۹۳ از زندان اوین آزاد شد.

ایشان همراه ۳ نفر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بدلیل تلاش برای تدارک برپائی وگرامیداشت روز جهانی کارگر در محل وزارت کار، در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۹۳ شبانه در منزل خود بازداشت گردید.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

مرگ نابهنگام رسول مردم نقده و شهرهای اطراف را داغدار کرد



با مرگ رسول كاك حسن، مردم كردستان بویژه مردم شهر نقده یکی از چهره های محبوب و شناخته شده خود را از دست دادند.

مردم شهرهای شمال كردستان ایران با مرگ رسول یکی از سخنگوییان و فعالین خود را از دست دادند. (رسول رموك زاده) ملقب به رسول كاك حسن برای همیشه خانواده، دوستان، یاران و بستگانش را ترك کرد. ما در گذشت رفیق

رسول را به منیژه همسرش و آکو و اوین و هاوژین بچه های عزیزش و همه دوستان و بستگان این یارو یاور مردم زحمتکش را تسلیت میگویم.

رفیق رسول رموك زاد ملقب به " رسول كاك حسن" در تاریخ ۲۷/۲/۹۳ متاسفانه به سخته مغزی دچار شد و ۲۵ روز در کما بسر برد. با اندوه فراوان این رفیق دوست داشتنی در تاریخ ۲۷/۲/۹۳ ساعت ۳:۲۰ دقیقه بعد از ظهر در بیمارستان نقده جان خود را از دست داد.

رسول رموك زاد در سال ۱۳۴۲ در روستایی به اسم "ده شت قوری" در اطراف شهرستان نقده متولد شد. رفیق رسول از سن ۱۲ سالگی به همراه

چند تن از خواهر و برادرانش برای ادامه تحصیل به شهرستان نقده رفت و در آن شهر موفق به اخذ دیپلم شد.

در همان سالها و در بحبوحه انقلاب سال ۵۷ رفیق رسول همانند همه جوانان آزاد یخوایه دیگر مصرانه و با شهامت بر علیه حکومت سلطنتی در تظاهراتها شرکت داشت.

رفیق رسول در همین سالهای دوران قیام بود که با تفکرات مارکسیستی آشنا شد. در مدت کوتاهی که از فعالیت سیاسی و عملی او گذشت در سطح شهر نقده مردم او را به عنوان یک کمونیست آگاه میشناختند. شخصیت جدی اما شاد و بذله گوی او چهره یک انسان محبوب و اجتماعی از او

ساخته بود. بخش قابل توجهی از مردم او را به عنوان فردی معتمد و با نفوذ در هر مساله و موضوعی صاحب نظر میدانستند و به او مراجعه میکردند. برخورد مستولانه و به قول خودش دوستانه با مردم او را به یک انسان قابل اتکا و رازدار مردم تبدیل کرده بود.

رفیق رسول در بحث و مجادله بسیار منعطف بود و همیشه مسایل و موضوعات جاری در جامعه را جنبشی می نگرید. در واقع منافع طبقه کارگر و پیشروی جنبش های اجتماعی و کارگری برای او در اولویت قرار داشت.

رفیق رسول برای خانواده اش دوست و پدری مهربان بود. در طول سالهای زندگیش با منیژه همسرش، از هیچ تلاشی برای داشتن یک

زندگی مدرن و شاد و برابر دریغ نکرد. بوسیدن و بغل کردن بچه هایش آکو و اوین و هاوژین خستگی را از تنش به در میبرد.

ما مرگ نابهنگام رفیق رسول رموك زاد ملقب به " رسول كاك حسن" را به همه عزیزانش تسلیت میگویم و همراه با آنها یاد عزیزش را گرامی میداریم.

دوست داشتیم امروز ۱۹ مه ۲۰۱۴ در مراسم این عزیز در کنار همسر، بچه ها و همه بستگان و رفقایاش باشیم. اما این ممکن نیست و امیدواریم شما عزیزان ما را در کنار خود احساس کنید.

دبیر کمیته كردستان حزب کمونیست کارگری ایران محمد آسنگران ۱۹ مه ۲۰۱۴

پیام همدردی با کارگران معدن سوما و سندیگاهای کارگران معدن و انرژی، آب و گاز ترکیه



اصغر کریمی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ مه ۲۰۱۴

میکنیم و خود را عمیقاً در کنار شما میدانیم و از تلاش و مبارزه شما و سایر مردم آزادیخواه ترکیه برای کشاندن مسیبین این کشتار به دادگاه حمایت میکنیم.

مردم عزای عمومی اعلام میکند و از طرف دیگر معترضین به این اوضاع را با خشونت سرکوب میکنند خشم هر انسانی را برمی انگیزد. به امید روزی که بشر از شر این نظام غیر انسانی و دولت هائی مانند دولت ترکیه و جمهوری اسلامی و امثالهم رهائی یابد و نظامی انسانی و حکومت هائی انسانی و سوسیالیستی جای آنها را بگیرند.

ما و کارگران و مردم آزادیخواه ایران لحظه به لحظه خیرها را دنبال

جانباخته و سندیگاهای کارگران معدن و انرژی، آب و گاز ترکیه صمیمانه تسلیت میگویم.

مردم ترکیه و بسیاری از مردم شریف جهان مسیبین این فاجعه را بخوبی میشناسند. میدانند که اگر حرص سرمایه داران مفتخور نبود و اگر دولت های حاکم در ترکیه ذره ای انسانیت داشتند این اتفاق و اتفاقات مشابه در زنگولداغ و سایر معادن ترکیه نمی افتاد. ریاکاری دولت فاسد ترکیه که از یکطرف از ترس

رفقای عزیز کارگر!

فاجعه تکمان دهنده و بزرگ معدن سوما و جان باختن و مفقود و مجروح شدن صدها نفر از همکاران شما قلب میلیون ها انسان در سراسر جهان را بدر آورد. ما با تاجر و نگرانی عمیق خیرها را دنبال میکنیم و آرزو میکنیم تعداد هر چه بیشتری از رفقای عزیز که در اعماق معدن گرفتار شده اند، جان سالم به در ببرند. به کارگران معدن سوما، خانواده های کارگران

به یاد کارگران جانباخته معدن سوما!

که پدری هر روز برای کار از خانه بیرون می رود
و همیشه این سوال فرزندان اش را بی پاسخ می گذارد:
بابتی کی از سر کار برمی گردی؟!»
زیرا که او هرگز نمی داند که آن روز

شعله های آتشین کارخانه های نا امن
هر روز کارگران را در شعله های خود گرفتار می کند
برای حفظ خانه های مجلل عده ای قلیل
عده ی کثیری هر روز بی خانمان می شوند
و فاجعه بارتر از تمام اینها وقتی است

وقتی که طوفان خانه و کاشانه ی مردم را
گرفتار باد فنا می کند
اما حوادث عظیم تر از زلزله و گرد باد و طوفان وقتی است
که برای ثروت کلان عده ای قلیل انفجار معادن هر سال
عده ی کثیری را در خود فرو می بلعد
که برای سود جویی عده ای قلیل

حادثه ی عظیمی است
وقتی که زمین می لرزد و شهر و روستاها را در خود فرو می بلعد
حادثه ی مهیبی است
وقتی که گرد بادهای آتشین
قرن ها تمدن بشریت را به آتش می کشند
حادثه ی سهمگینی است

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

ناهیید وفایی ۱۵،۵،۲۰۱۴

نگاه هفته...

نظارات خیابانی در شهر مریوان!

دوشنبه بیست و نهم، مردم شهر مریوان به اعتراض به نحوه ترافیک درون شهری تجمع بزرگی در محله ترمینال قدیم برپا کردند و با شعارهای اعتراضی، مردم شهر ناراضی خود را از ترافیک درون شهری ابراز نمودند. مردم معترض میگویند: طی چندین سال است کامیون‌های تانکر در در حالی که هیچ سودی را برای مردم شهر مریوان ندارند در خیابان‌های سطح شهر عبور می‌کنند و به خطری جانی برای شهروندان تبدیل و آسایش را از ساکنین محلات نزدیک خیابان سلب کرده و باید شهرداری و فرمانداری جاده ای ویژه برای تردد این کامیون‌های ترانزیتی احداث نمایند. خواست احداث "جاده های" ویژه و بالا بردن استانداردهای ترافیکی درون شهری انتقال تردهای سنگین درون شهری به خارج از شهر، کم کردن ضایعات دود و مواد گازه‌های آلوده، خواست مردم معترض شهر مریوان است. فرماندار مزدور مریوان «فلاحتی» و نهادهای امنیتی - هراسان از تظاهرات و تجمع بزرگ شهر مریوان در محل تجمع حاضر و با فیلمبرداری از تظاهرات کنندگان و دستگیری تلاش برای متوقف کردن مردم معترض را داشتند. اقدامات امنیتی مزدوران ناکام شد و مردم مصممانه اعلام کردند که مانع تردد ماشین‌های ترانزیتی نفت کش و کامیون‌های تانکر دار خواهند شد.

اعتراض و تظاهرات مردم شهر مریوان تعرض و ناراضی‌تی از نظامی است که برای جان انسان و تامین و رعایت استانداردهای زندگی ارزشی قائل نیست. در شهر مریوان بدلیل مرزهای مشترک با کردستان عراق روزانه بیش از دویست کامیون تانکر دار و ماشین‌های ترانزیتی نفت کش در حال تردد هستند. از قبل تجارتهای بی حد و مرز در مرزهای مشترک مریوان با کردستان عراق روزانه میلیاردها تومان به جیب سرمایه داران، مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی، فرماندار و نهادهای اطلاعاتی و پلیس جمهوری اسلامی سرازیر میشود. جمهوری

اسلامی رژیم دزدی و فساد مالی است. ضد انسان و ضد رفاه و تامین استانداردهای مورد قبول برای مردم ایران است. هر قدم پیشروی و تحمیل خواست برای زندگی با استانداردهای امروزی فقط و فقط با اعتراض و تظاهرات و قدرت توده ای مردم در خیابانها عملی است. راه و شیوه عمل اعتراضی و رادیکالی که توسط تظاهرکنندگان شهر مریوان انجام شد!

راهپیمایی اعتراضی کارگران کارخانه ذوب آهن کردستان در سنندج

روز دوشنبه کارگران ذوب آهن در سنندج راهپیمایی کردند. کارگران معترض پلاکاردهایی با نوشته هایی همچون ۱: ما خواهان بازگشت به کار میباشیم ۲: ما خواهان پرداخت حقوق معوقه میباشیم ۳: ما خواهان افزایش حقوق ماهیانه هستیم و... در مسیرهای اصلی شهر به طرف استانداری حرکت کردند و تجمع در مقابل استانداری در سنندج هم اکنون ادامه دارد. تظاهرات کارگران که با واکنش و برخورد شدید نیروی انتظامی و ماموران لباس شخصی مواجه شد

اعتراض رانندگان تاکسی خطحسن آباد سنندج

بنا به گزارش رسیده صبح روز ۲۷/۰۲/۹۳ رانندگان تاکسی در مسیر حسن آباد به میدان آزادی شهر سنندج نسبت به افزایش ناچیز کرایه تاکسی در این مسیر از ساعت ۹ صبح به مدت دو ساعت تجمع اعتراضی زدند و خواهان رسیدگی به مشکلات خود شدند. در پی این تجمع نیروهای لباس شخصی و انتظامی و مسئولین تاکسیرانی در محل حاضر شدند و یکی از مسئولین تاکسیرانی با تهدید اینکه این تجمع برای آنها گران تمام خواهد شد و مدارک شما را ضبط خواهیم کرد شروع به یادداشت پلاک تاکسیها کردند اما رانندگان با بی توجهی به این تهدیدها اعلام کردند که با این مقدار ناچیزی که به حق ما اضافه شده ویا توجه به این

وضعیت مخارج زندگی، به هیچ وجه نمی تواند جوابگوی نیازهای روزانه ما باشد و در ادامه یکی از رانندگان، رو به مسئولین تاکسیرانی گفت: اگر قرار است که ما با این مبلغ ناچیز کرایه کار کنیم پس تعاون تاکسیرانی موظف است سوسید سوخت ما را پرداخت و حق بیمه ما را کاهش و به ما لاستیک و قطعات به نرخ دولتی ارائه دهد که در ادامه با آوردن گارد ویژه به محل، رانندگان را مجبور به ترك محل کردند. کمیته هماهنگی از خواست برحق رانندگان تاکسی مبنی بر اینکه تعاون تاکسیرانی باید امکانات لازم را در اختیار رانندگان قرار دهد تا از میزان فشار بر توده های مردم در نتیجه افزایش کرایه تاکسی کاهش یابد، حمایت کرده و تنها راه رسیدن به خواست های برحق رانندگان را در اتحاد و همبستگی آنان می داند.

جان باختن ناصح خضری کارگر مهاجر در اقلیم کردستان عراق.

ناصر خضری ۵۰ ساله، متاهل و اهل شهر سنندج، روز شنبه بیست و هفتم اردیبهشت ماه هنگام کار در اقلیم کردستان دچار سکنه قلبی شده و جان سپرد. آمبولانس اداره پزشکی قانونی شهر سلیمانیه بدون دریافت هیچ هزینه‌ای، جنازه را تا مرز ایران منتقل می کند، اما آمبولانس بهداشت و درمان استان کردستان در ایران برای انتقال این جسد مبلغ یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان را از خانواده آنها طلب کرده است.

اعتصاب کارگران مرزی مرز حاج عمران در پیرانشهر

شنبه ۲۷ اردیبهشت کارگران شاغل در مرز حاج عمران در "پیرانشهر" در اعتراض به پائین بودن دستمزدهای خود، دست به اعتصاب زدند. این کارگران که تعدادشان بالغ بر یک هزار و ۲۰۰ نفر می باشد به تخلیه بار از ماشینهای مرزی اشتغال دارند و روزانه حدود ۱۵ هزار تومان دریافت می کنند. قابل ذکر است که اعتصاب این کارگران تا ساعت یک بعداز ظهر روز شنبه ادامه داشته است.

دستمزدهای پرداخت نشده

شرکت ابراهیمی واقع در شهرک صنعتی شماره یک سنندج سازنده

نایلکس و نایلون، دستمزدهای معوقه ۷ نفر از کارگران خود را پرداخت نکرده است. مدیر عامل این شرکت دستمزد ۴ ماه از این کارگران را پرداخت نکرده و اکنون گریخته است. کارکنان این شرکت هیچ گونه بیمه ای ندارند و این در حالی است که مدیر عامل شرکت مذکور قول بیمه کردن کارگران را داده بود.

دستگیری

بانه: فاضل چوپانی معلم مدرسه و لقمان یک نوجوان ۱۵ ساله در شهر بانه بازداشت شدند.

باینگان:

بخش باینگان، مستقر در پاسگاه روستای "سیمان"، با مراجعه به منزل محمد مهربانی و لایق کریمی آنها را بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال دادند.

پاوه:

هشت فعال فرهنگی (هادی سپنجی، مختار هدایتی، جهانگیر محمود ویسی، نعمت رحمانی، یاسر خالد زاد، محمد رشید امینی و نرمن گیوهچی، جمال جباری) ساکن شهر پاوه که رسماً به جشنواره "ماچو" در اقلیم کردستان عراق دعوت شده بودند، پس از بازگشت با احضار و بازجویی اطلاعات سپاه مواجه گردیدند. این جشنواره روزهای پنجم، ششم و هفتم اردیبهشت ماه در بخش بیاره شهر سلیمانیه برگزار شده بود و شماری از پژوهشگران شرکت کننده در این جشنواره در مقالات خود دیدگاهها و مستنداتی درباره دخالت سیستماتیک و هدفمند حکومت اسلامی ایران در بحث زیان مادی و ایجاد تفرقه میان لهجه ها و گویش های زبان کردی سخن به میان آورده بودند. تا لحظه انتشار این خبر دلیل اصلی احضار این فعالان به اطلاعات سپاه شهر پاوه نامعلوم می باشد. (منبع کردپا)

محکومیت به زندان

بیست و هشتم اردیبهشت: مسعود شمس نژاد، وکیل دادگستری از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان ارومیه به ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شد. این حکم به ریاست قاضی شیخلو و طبق ماده ۵، ۲۱۱ و ۱۹ از مجازات اسلامی است. مسعود شمس نژاد در هفدهم

ماه جاری توسط دادگاه انقلاب به اتهام "تبلیغ و عضویت در احزاب کرد" اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران در شعبه دوم شهر ارومیه محاکمه گردید. وکالت مسعود شمس نژاد را وکلا صالح نیکبخت، عباس جمالی و عثمان مزین برعهده داشتند.

تولید مواد مخدر توسط مزدوران محلی

سردشت: اعضای بومی سپاه در سردشت با استفاده از حدود ۳۰۰ لپراتوار، به تولید ماده مخدر شیشه در اطراف این شهر دست زده اند. مواد مخدر تولید شده که از نوع صنعتی می باشد به دیگر شهرهای کردستان و ایران و حتی کشورهای جنوب شرق آسیا ترانزیت می شود.

تولید مواد مخدر صنعتی (شیشه) عملاً برای تباهی و گسترش اعتیاد در میان جوانان است. اعضای سپاه داروهای اولیه لازم جهت ساخت شیشه را در کشور عراق خریداری و از ۳ گزرگاه غیر رسمی وارد کشور می کنند. طی ماههای اخیر در شهرهای سردشت و ربط نیز آشپزخانههای خانگی بر اثر فعل و انفعالات شیمیایی دچار حادثه انفجار شده اند که نهادهای امنیتی از انتشار علل و عواقب بروز چنین حوادثی ممانعت بعمل آورده اند. سالانه حدود ۳ میلیارد دلار درآمد ناشی از تولید و تجارت مواد مخدر صنعتی به ویژه شیشه به کشورهای اندونزی، فلپین و مالزی نصیب سپاه پاسداران می شود. شیشه یکی از مواد مخدر جدید که در بازار قاچاق عرضه می شود که شکل ظاهری این ماده شبیه شیشه‌ای که خرد و پودر شده باشد و یا تکه‌های ریز یخ و یا خرده‌های ریز نبات است. این ماده مخدر در کشورهای آسیای دور به "شابو" معروف است و در اروپا با نام "آیس" به فروش می رسد.

خودکشی

معصومه فقهه ملکی فرزند حسین و ساکن شین آباد پیرانشهر، روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه، به علت خودکشی جان سپرد. وی از اهالی روستای "شین آباد" از توابع پیرانشهر است.



حکم اعدام ریحانه جباری را بی درنگ متوقف کنید!

نامه ای از کمپین نجات ریحانه خطاب به جامعه بین المللی، اتحادیه اروپا و سازمان ملل، خطاب بیش از ۱۷۲ هزار نفر امضا کنندگان طومار اعتراضی ریحانه خطاب به وکلای بی مرز و افکار عمومی بین المللی!

دوستان گرامی!

در گوشه ای از جهان به اسم ایران، در یک زندان به اسم شهر ری، دختری محبوب است به اسم ریحانه جباری. او ۱۹ سال داشت که در یک ماجرای اتفاقی، در یک خانه در تهران، مورد تعرض یک مرد به اسم مرتضی سریندی قرار گرفت. سریندی قصد تجاوز به ریحانه را داشت و ریحانه جوان، برای فرار از این مخمصه، در یک فرصت با چاقویی که از همان خانه برمیآورد، برای دفاع از خود ضربه ای به این مرد زده و فرار کرده است. سریندی که از مامورین و همکاران قبلی وزارت اطلاعات جمهوری مخوف اسلامی بوده، همان روز به قتل میرسد. ریحانه را حکومت اسلامی دستگیر میکند، در حالیکه همان لحظه که ریحانه از خانه این مرد فرار میکنند، یک مرد، یک همکار سریندی که ریحانه قبلا او را با این فرد دیده بود، وارد این خانه میشود و اینرا ریحانه در همه جا گفته است.

این واقعه در هر جای دنیا که اتفاق می افتاد، با بررسی همه شواهد و قراین، در نهایت شاید ممکن بود ریحانه مدتی در زندان بماند و بعد از بررسی پرونده، آزاد شود.

در ایران چه اتفاق می افتد؟ ریحانه دستگیر و در زندان "تحت نظر" یعنی زیر شکنجه های وحشیانه، وزارت اطلاعات و مامورین رنگارنگ موسسات

این یک کبفرخواست است! ما خواهان آزادی فوری ریحانه جباری هستیم! ما خواهان تحریم بین المللی قاضی، بازپرس و شکنجه گران ریحانه هستیم!

مختلف حکومت اسلامی، بازجویی میشود. دستگاه امنیتی حکومت اسلامی که به یک قتل دست زده از ریحانه میخواهد که قتل سریندی را به عهده بگیرد و همه چیز را آنگونه توضیح دهد که شکنجه گران بیرحم به او دیکته میکنند.

ریحانه جوان، ریحانه با استعداد، ریحانه ای که از زندگی همه چیز را میخواست و بلند پرواز و متکی به نفس بود، همچون یک نهال زیبا، زیر مشت و لگد و بی حرمتی و جنایتکاری، یک دستگاه مخوف، له میشود.

دادگاه کنایبی بررسی قتل سریندی در ایران تشکیل میشود. از قبل ریحانه را تا حد مرگ کتک زده و آماده کرده اند که در دادگاه علیه خود حرف بزند، با وجود همه این ماجراهای در زندان، ریحانه در دادگاه از خود دفاع میکند. قاضی پرونده فردی به اسم تردست که قبلا عضو سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بوده، با صراحت و وقاحت اعلام میکند که قصد تجاوز در بین نبوده، ریحانه تن فروش بوده و خدمات میداده و پول و امکانات دریافت میکرد، ریحانه به قصد کشتن سریندی وارد این خانه شده و قتل عمد بوده و سریندی قربانی ریحانه است و حکم اعدام ریحانه را صادر میکند.

در مورد این قتل، در رسانه های حکومت اسلامی چنان سوز و گدازی راه انداخته اند و فضا سازی کرده اند که گویی یک جنایتکار حرفه ای، یک مرد در حال نماز خواندن را بدون هیچ دلیلی به قتل رسانده !!!

ریحانه هفت سال با کابوس اعدام در زندان شهری زندگی کرده است و اکنون به همت خانواده اش وکلای پرونده و کمپین نجات ریحانه و مدیای اجتماعی، سرنوشت دردناک این زن جوان علنی و عمومی شده و یک کمپین برای نجات او راه افتاده و اولین نتیجه این کمپین این است که این بار نه در پشت درهای بسته و با ترساندن ریحانه، بلکه در مقابل افکار عمومی بین المللی،

یک پرونده بررسی میشود. در رسانه های عمومی قاضی و بازپرس از حکم قتل ریحانه دفاع میکنند و درایت و بسیار سلیس و انسانی از خود دفاع میکنند و حرفش را میزند.

این روزها ایران شاهد یک واقعه مهم است. مرور پرونده ای که نمونه ای از برخورد کل سیستم قضاوت در ایران با متهمین اسیر حکومت اسلامی و بویژه زنان متهم و زنان مستقل و با اعتماد به نفس است. در این دستگاه و در این سیستم زنان آزاده را با سببیت بیشتری خرد میکنند.

تا کنون چند نکته برای افکار عمومی روشن شده است: ریحانه را شکنجه کرده و اقرار گرفته اند. اسناد پرونده را از بین برده اند. در محل قتل، شربتی مسموم و کاندوم بوده، که اینرا در بررسی ابداء بحساب نیآورده اند. در مورد فرد سومی در پرونده به اسم شبیخی که در لحظه فرار ریحانه وارد این خانه شده، حرفی زده و او را بازداشت نکرده اند. موضوع قصد تجاوز سریندی به ریحانه را عملاً در بررسی کنار گذاشته اند.

ریحانه فقط با یک چاقو به سریندی ضربه ای به کتف راستش زده، علت مرگ سریندی اما این ضربه نبوده، با این وجود ریحانه را قاتل معرفی کرده اند. در بررسی های اخیر، یکبار از مرگ سریندی بر اثر تیر اندازی حرف زده و سپس اینرا پس گرفتند، هنوز علت و نحوه قتل سریندی را اعلام نکرده اند.

ما فراخوان دهندگان کمپین نجات ریحانه جباری اعلام میکنیم که: ریحانه جباری، هیچ جرمی مرتکب نشده بجز اینکه برای دفاع از تجاوز جنسی از سوی مردی

از صفحه ۷ نگاه هفته...

آزادی زندانی سیاسی

بیست و هفتم اردیبهشت، مسعود حسین پناهی فعال سیاسی از اهالی روستای "باباریز" از توابع سنندج که ۱۱ سال پیش بازداشت شده بود آزاد گردید. مسعود حسین پناهی در بیست و ششم خرداد سال ۱۳۸۲ توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شد، در ابتدا از سوی

همسن پدرش، با چاقویی که در محل به دست آورده ضربه ای زده و فرار کرده است.

او در یک بیدارگاه و در زندان و در همه جا مورد شدیدترین آزار جسمی و روحی قرار گرفته و هفت سال با کابوس اعدام زندگی کرده و خانواده اش مورد شدیدترین توهین ها و فشارهای روحی بوده اند، اکنون با توجه به همه این مسائل، اولین اقدام حکومت اسلامی و رئیس قوه قضاییه این حکومت آملی لاریجانی، که حکم اعدام ریحانه را امضا کرده است، اینست که فوراً اعلام کنند، این حکم اعدام لغو میشود.

ما خواهان بررسی پرونده سریندی برای روشن کردن این موضوع هستیم که قاتل و یا قاتلین واقعی پیدا شده و به افکار عمومی اعلام شود که چه کسانی سریندی را کشته اند؟

موضوع ریحانه موضوع قتل عمد نیست و بهمین دلیل نباید لغو حکم اعدام به بخشش و یا نظر خانواده سریندی گره بخورد.

محکومیت به اعدام ریحانه در دادگاهی بی صلاحیت و تحت نظر یک قاضی بیرحم و بی ادب و عاشق جنایت و اعدام اتفاق افتاده و ما مشخصاً از قاضی تردست که در مصاحبه های اخیرش نیز لجن

پراکنی زیادی بسوی ریحانه و حتی خانواده او انجام داده، در پیشگاه مجامع بین المللی و نهادهای مدافع حقوق انسانی، شکایت کرده و خواهان اعلام تحریم سیاسی علیه این فرد و بازپرس پرونده شاملو هستیم.

در پرونده سکینه محمدی آشتیانی و در جریان کمپین نجات سکینه، اتحادیه اروپا خوشبختانه چند نفر از مسئولین مربوط به این پرونده از تبریز را مشمول تحریم ها کرد. ما در این مورد نیز خواهان، اعلام این هستیم که این افراد یعنی مسئولین پرونده، قاضی و بازپرس و شکنجه گران ریحانه، حق سفر به اروپا و یا آمریکا و کانادا را نداشته و اموال آنها در این کشورها فریز شود.

ما برای عملی کردن تحریم دیپلماتیک دست اندرکاران و عاملین این پرونده بزودی نشست هایی با مقامات پارلمان اروپا و دولتهای اروپایی و کانادا و .. برگزار خواهیم کرد. جمهوری اسلامی ایران باید از ریحانه و خانواده او رسماً معذرتخواهی کند. ریحانه باید فوراً از زندان آزاد شود. این آزادی ابداً نباید به نظر خانواده سریندی گره بخورد!

کمپین نجات ریحانه
۱۶ ماه مه ۲۰۱۴

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com
همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی
E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!